



ایدئولوژی کشورهای در حال توسعه

THE IDEOLOGIES OF THE DEVELOPING NATIONS

Edited and with an introduction

By: Paul E. Sigmund

بخش دوم

استقلال و آزادی ملی

پیش‌تر نیز یادآوری کرده بودیم که پُل - سیگموند، این پژوهش گسترده را برای جهان سال ۱۹۷۰ میلادی به بعد نگاشته است. با توجه به رویدادهای شگفت‌انگیز سیاسی ۲۰ سال اخیر و دگرگونی‌های سریعی که در باورهای سیاسی جهان به وجود آمده است، بدون تردید کلام پُل - سیگموند نمی‌تواند سخن روز باشد. اما، آگاهی از اعتقادات و باورهای مردان سیاسی بزرگی که تاریخ سیاسی قرن بیستم را ساخته‌اند و بسیاری از آن‌ها تا همین چند سال قبل زنده بودند و هم اکنون نیز برخی از آن‌ها هنوز حضور دارند، می‌تواند راه‌کارهای مثبت سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای را فرا راه دولت‌مردان و سیاستمداران سرزمین‌های در حال توسعه قرار دهد.

دگر باره یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که بیان ایدئولوژی‌های مختلف در این بخش که از شماره نخست مجله‌ی فردوسی آغاز شده است، نوعی آموزش همگانی، اطلاع‌رسانی و بیان باورهای ایده‌آلیستی^(۱) یا رئالیستی^(۲) سیاست‌سالاران قرن بیستم و دهه‌های معاصر جهان می‌باشد.

ما به خوبی آگاهییم که بسیاری از عناصر ایدئولوژی‌های ۲۰-۳۰ سال پیش که تاریخ مصرف گذشته دارد، در حال حاضر کارآیی ریشه‌ای ندارند، اما از سوی دیگر به سختی باور داریم که همین عناصر به ظاهر تهنشین شده و تاریخ گذشته می‌توانند مورد استفاده سیاستمداران و دولت‌مداران علاقه‌مند به حفظ حاکمیت ملی قرار گیرند.

شاید به همین سبب به جای ترجمه‌ی محض کتاب پُل - سیگموند، کوشیده‌ایم تا با اقتباس از مطالب مفیدتر آن کتاب و تطبیق برخی از عناصر کارساز آن با ایدئولوژی و باورهای روز، گفتمانی با تاریخ مصرف روز تقدیم خوانندگان محترم بخش سیاسی مجله‌ی فردوسی بکنیم.

مجله‌ی فردوسی «سردبیر»

۱- Idealistic فراپاوری

۲- Realistic حقیقت‌گرایی

ترجمه و اقتباس = بخش سیاسی مجله‌ی فردوسی

اختلاف‌های ایدئولوژیکی، مثلاً بین جواهر لعل نهرو و هوفوئث - بوئینگی و یا هایا - دلاتوره.

حکومت، نماینده گروه ویژه‌ای است که حاکمیت را در کانون تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهد، در حالی که دولت نماینده مردم است و هیچ‌کس را جز مردم به رسمیت نمی‌شناسد.

گروه‌بندی و یا اختلاف‌نظر بین سنت‌گرایان، اصلاح‌طلبان و رادیکال‌ها اگر

مردن و پیشرفته بین نمایندگان و طرفداران گروه‌های رادیکال و رفرمیست اختلاف‌نظر وجود ندارد. بدون تردید هر دو گروه برای عبور از لایه‌های فشرده و عقب‌مانده زندگی سنتی و ورود به جهان مدرن یک حرف را می‌زنند، اما در عمل و اجرا با هم اختلاف‌نظر دارند.

به عنوان نمونه، تعیین ویژگی‌های خاص سکوت‌توره در دست یافتن به دگرگونی‌های بنیادی جامعه، با آنچه که موردنظر فیدل کاسترو می‌باشد، مسلماً اختلاف فاحشی دارد. همچنین است

در آفریقا، این اختلاف‌ها بیشتر بین گروه‌های مختلف سازمان وحدت آفریقا، در آمریکای لاتین بین نهضت‌های انقلابی فیدلیست و اصلاح‌طلبانی مثل، ادواردو - فری، جوز - فیگورس و هایا - دلاتوره و در آسیا بین چین که گسترش جبری اقتصاد کمونیستی را پیشنهاد می‌کند و هندوستان که اقتصاد دموکراتیک و پیشرفت تدریجی و گام به گام را به اجرا درمی‌آورد، به چشم می‌خورد.

در یک تحلیل نهایی هرگز ادعا نمی‌شود که در راه رسیدن به جامعه‌ای



دموکراتیک می‌باشد.

چه دارای مشابهت‌های زیادی است، اما در نگرش و برداشت آن‌ها برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه اختلاف نظر وجود دارد.

سیستم ملی آموزش و پرورش

رایگان برای ایجاد دگرگونی‌های زیربنایی در سیستم آموزش است. تربیت افراد کارشناس و متخصص و کسادهای فنی ماهر و نیمه‌ماهر به منظور رفع نیازهای کشور باید در نوبت نخست قرار گیرد.

مسئله‌ی بسیار مهم و حیاتی مبارزه با بی‌سوادی که با برنامه‌های گسترده آموزش مقدماتی باید همراه باشد، در مراحل اولیه مورد تاخت و تاز گروه‌هایی قرار می‌گیرد که منافع خود را در خطر می‌بینند. برنامه‌ی مبارزه با بی‌سوادی که به وسیله‌ی فیدل کاسترو و در کوبا و سکوتوره در گینه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ پیاده شد، بیانگر این واقعیت است که یک برنامه‌ی سازمان‌یافته و ملی نه تنها در مدت کوتاهی می‌تواند مشکل بی‌سوادی را حل کند، بلکه قادر خواهد بود در بافت‌های زیربنایی یک سرزمین تأثیر گذاشته و هماهنگی وسیع و سریع سیاسی را نیز در جامعه به وجود آورد.

هم‌رادیکال‌ها و هم‌رفورمیست‌ها به

خوبی دریافته‌اند که زیربنای اصولی فرهنگ مدرسه‌ای یک جامعه و پاک‌سازی محیط آموزشی آن در گرو تشکیلات سازمان‌یافته‌ی ناسیونالیستی همان جامعه است. این گروه‌ها از محتوای غیرواقعی، تحریف شده، چاپلوسانه، اغراق‌آمیز و گسترش



محدود و تئوریک سیستم‌های آموزشی به جای مانده از دوران استعمار، به شدت انتقاد کرده و عقیده دارند که این مسئله فقط نیازهای متروپول‌ها و متروپول‌نشینان را برآورده و توجهی به نیازمندی‌ها و اوضاع و احوال روستایی، محلی، منطقه‌ای و شهری ندارد.

آموزش و پرورش که ویژه تعلیم و تربیت تعداد کمی از خدمتگزاران دولتی، استادان، حقوق‌دانان، دولت‌مردان و ثروتمندان باشد و اصولاً در خدمت بورژوازی وابسته و یا غیروابسته قرار گیرد، بدون شک شایسته‌ی نیازمندی‌های اکثریت ملتی نیست که در حال گذار از مرحله‌ی اقتصاد وابسته به اقتصاد ملی و عبور از مرز عقب‌ماندگی به توسعه یافته‌گی است.

سنت‌گرایان، مسددهی‌ها، اصلاح‌طلبان، رفورمیست‌ها و رادیکال‌ها، هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند بدون فراخوانی ناسیونالیست‌ها در کار خود موفق شوند.

نخستین گام برای رهایی از ترفندهای استعمار و یا حکومت‌های دست‌نشانده آن، گسترش کمی و کیفی و افزایش سریع مدارس ابتدایی، متوسطه، دانشگاه‌ها، مدارس فنی و حرفه‌ای دولتی و

در مجموع این جریان فکری و سیاسی، نوعی تجزیه و تحلیل مخصوص، که جدا از طبقه‌بندی‌های مرسوم ایدئولوژیکی اروپایی‌ها است، ارائه می‌دارد، اگر چه از ویژگی‌های برخورد و تضاد ایدئولوژی بین شرق و غرب فاصله فراوانی دارد.

هر یک نگاه تحلیل‌گرایانه به این جریان فکری و سیاسی مشاهده می‌شود که:

۱- گروه‌های مختلف حاکم بر این سرزمین‌ها علاقه‌مند به پیشرفت هستند.

۲- برخی از این رهبران پیشرفتی را می‌خواهند که به ترکیب سنتی، کهنه و قدیمی آنان آسیبی نرساند.

۳- برخی دیگر تابع تغییرات رادیکالی و شتاب‌آلود هستند.

۴- گروهی پیشرفت‌های اجتماعی را در سایه‌ی محافظه‌کاری می‌بینند.

۵- عده‌ای زیرعنوان رفورمیست فقط حکومت می‌کنند.

۶- گروه آخر با هر گونه حرکت و دگرگونی اجتماعی که قدرت و حکومت آن‌ها را تهدید نماید به شدت مخالفت می‌کنند.

بسیار جالب است که تمام این حکومت‌ها و دولت‌ها و صاحبان ایدئولوژی اعتقاد دارند که راه آن‌ها درست است و حکومت آن‌ها متکی به آرای مردم و باورهای

چنانچه فرهنگ «حکومت» جای خود را به «دولت» بدهد، بسیاری از نابه‌سامانی‌های ستم‌گرایانه‌ی اجتماعی از بین می‌روند.

توده‌های وسیع بی‌سوادی که آگاهی مختصری از سیاست ملی دارند و یا از آن بی‌خبرند، خواه و ناخواه در سایه‌ی آموزش‌های مدرسه‌ای و تحصیلات دانشگاهی، آمادگی پذیرش مفاهیم فرهنگ سیاسی یک جامعه را پیدا کرده و از مسائل ملی و بین‌المللی و امور مربوط به آن آگاهی پیدا می‌کنند.

بدون تردید، تنها رژیم‌های رادیکالی و یا انقلابی نیستند که به برنامه‌های اساسی آموزشی، تربیتی، تحصیلی و یا آموزش مفاهیم سیاسی توجهی ویژه نشان می‌دهند. گروه‌های ناسیونالیست نوگرا نیز به خوبی دریافته‌اند که تنها سیستم‌های آموزشی سازمان‌یافته و همگانی هستند که می‌توانند در خدمت گسترش مفاهیمی مانند: اندیشه، خرد، کارآیی و حفظ منافع ملی قرار گیرند. فاصله‌ی بین تحصیلات بومی و



صفحه ۳۳

در نظر گرفتن نیازمندی‌های اصولی جامعه، از یک طرف نوعی تعدیل و اصلاح در توزیع ثروت جامعه پدید آورده‌اند. از طرف دیگر با شناختی متقابل، حق و حقوق گروه‌های خصوصی را محترم شمرده و حتی بخش خصوصی را در زمینه‌های مختلف تولیدی، توزیعی، خدماتی و آموزشی در زیر چتر حمایت دولت قرار داده‌اند.

بدیهی است، با شناخت بهتر و کاربرد روش‌های ناسیونالیستی در سیستم‌های آموزشی یک کشور، زیربنای دوره‌های تحصیلی، تاریخ، فرهنگ و سیاست موجود در آن کشور دگرگون خواهد شد. در حقیقت با توجه به نیاز گروه‌های حافظ منافع ملی به یک سیستم آموزشی جامع و کامل و مستقل در جامعه، تأکید بر تاریخ و فرهنگ و سیاست آن جامعه بی‌شتر شده و باعث شناخت بهتر آن می‌گردد. در آفریقا، جایی که افکار ناسیونالیستی پسان آفریقاییسم، ایدئولوژی‌های دیگر را پس زده است، تأکید زیادی بر گسترش میراث فرهنگی این قاره به

گروه‌های تبلیغاتی، میسیونرهای مذهبی، مؤسسه‌های شخصی، سازمان‌های خصوصی و دخالت مستقیم دولتی اداره و رهبری می‌شده است، همیشه نوعی اختلاف عقیده و درگیری‌های ایدئولوژیکی بسیار عمیق و زمانی نیز کشمکش‌های آشکار سیاسی بین گروه‌های مذکور و رهبران ملی‌گرا که خواستار گسترش آموزش و پرورش رایگان بین طبقات مختلف مردم هستند، ایجاد می‌شده است. وسعت و حدود این اختلاف‌های ایدئولوژیکی به خاطر اتهام‌های وارده ملی‌گرایان رادیکال به سیستم‌های آموزشی انحصاری، دولتی و میسیونری که برخی از آن‌ها

دانش‌آموختگان همین مدارس هستند بیشتر به چشم می‌خورد. به باور این گروه، سیستم آموزش انحصاری، دولتی و میسیونری چیزی جز وسیله قرار گرفتن یک جامعه برای تسلط هر چه بیشتر یک طرز تفکر و ایدئولوژی خاص نبوده و هدفی جز گسترش افکار استبدادی و سلطه‌گرایی در بین دانشجویان و دانش‌پژوهان ندارد. در موقعیت‌های بحرانی، این مسئله ممکن است به صورت مشکل حادث‌تری خودنمایی کرده و منجر به کشمکش‌هایی گردد که نتیجه‌ی چندان رضایت‌بخشی برای جامعه نداشته باشد.

دخالت حکومت‌های

کلیسایی و مذهبی در قرن نوزدهم و بیستم در امور آموزشی،

اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اداری و اجرایی سرزمین‌های مختلف، بهترین نمونه‌ی القای فکری و تبلیغ یک ایدئولوژی ویژه به مردم برای ادامه‌ی یک حکومت سیاسی بوده است. بدون تردید موارد دیگری نیز وجود دارد که رهبران مسؤل و آگاه و جوامع نوپا یا رعایت کلیه‌ی موازین عقلی و منطقی و همچنین با

سنتی و آموزش‌های مدرن، فاصله‌ی بسیار کمی است. به خاطر اهمیت و ارزش همین مسئله است که ملی‌گرایان و گروه‌های پاسدار منافع ملی در سرتاسر جهان، نیاز مبرم اجتماعات و توده‌های مختلف سرزمین خود را به همگانی کردن سیستم آموزش و پرورش رایگان از دبستان تا پایان دانشگاه درک کرده و بر اجرای آن تأکید دارند.



Top-Level Lobby for SALT

به علت اهمیت این دو مسئله:

۱- آموزش رایگان و همگانی از مقطع

ابتدایی تا عالی

۲- آموزش سیاسی و گسترش همه

جانبه و عمیق آن در بین کادرهای آموزش دیده.

هیچ یک از تئوریسین‌های مشهور جهان ادعا نکرده‌اند که اختلاف نظر بین مردم و دولت نباید وجود داشته باشد.

سازمان‌های حافظ منافع ملی برای

رسیدن به پیشرفت‌های قابل توجه اقتصادی، به سیستم کنترل مرکزی توجه بیشتری دارند. سیستم کنترل مرکزی موردنظر ملی‌گرایان سیستمی است که در اختیار مردم قرار دارد، اما دولت بر آن نظارت دارد. این نظارت با دخالت مستقیم سیستم‌های کمونیستی نباید اشتباه شود. از آنجایی که قرن‌ها آموزش و پرورش در بسیاری از کشورهای تازه استقلال یا نوپا به وسیله‌ی



چشم می‌خورد. این امر سهم ویژه و ممتاز فرهنگ سنتی این قاره را بر جلوه‌های گوناگون تمسک‌نویسی صنعتی، کاملاً مشخص و آشکار ساخته است.

« ادامه در شماره آینده »